

به نام خدا

وقتی من بچه بودم - ۶

برونو یاد می‌گیرد که وقتی چیزی پیدا کرد به صاحبش برگرداند

مهارت‌های رفتاری برای کودکان پیش‌دستانی

ترجمه‌ی شکیب شیخ‌الملوکی بازنوشته‌ی سوسن طاقدیس

دفتر و نمایشگاه مرکزی:
تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره ۲۰، طبقه اول غربی
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳
کد پستی: ۱۳۱۵۸۵۳۴۹۳ • سامانه‌ی پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۶۳
www.zekr.co • Email: zekr_publishery@yahoo.com



کتاب‌های قاصدک
واحد کودک و نوجوان
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر



- سرشناسه: طاقدیس، سوسن، ۱۳۳۸ - اقتباس‌کننده Susan Taghdis
 - عنوان و نام پدیدآور: برونو یاد می‌گیرد که وقتی چیزی پیدا کرد به صاحبش برگرداند؛ مهارت‌های رفتاری برای کودکان پیش‌دستانی/بازنوشته سوسن طاقدیس؛ ترجمه‌ی شکیب شیخ‌الملوکی.
 - مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.
 - مشخصات ظاهری: ۲۴ ص:، مصور (رنگی).
 - فروست: وقتی من بچه بودم: ۶
 - شابک دوره: ۳-۸۲۶-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۵-۶ : شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۵-۶
 - وضعیت فهرست نویسی: فیا
 - یادداشت: عنوان اصلی: Bruno finds a ball.
 - یادداشت: گروه سنی: الف، ب.
 - موضوع: کودکان - راهنمای مهارت‌های زندگی - داستان
 - موضوع: Children - life skills guides - Fiction
 - موضوع: امانت‌داری - داستان - Reliability - Fiction
 - موضوع: داستان‌های کارتونی - Comics books
 - شناسه افزوده: شیخ‌الملوکی، شکیب، ۱۳۶۶ - مترجم
 - رده‌بندی دیویی: ۱۳۹۵ ب۲۰۱۵۲ط۱۵۲ب۳۰۵دا
 - شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۲۵۵۸۳
- برونو یاد می‌گیرد که وقتی چیزی پیدا کرد به صاحبش برگرداند
- بر اساس مجموعه‌ی when I was young
- ترجمه‌ی شکیب شیخ‌الملوکی
- بازنوشته‌ی سوسن طاقدیس
- مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان
- صفحه‌آرایی: مهتاب یعقوبی
- تیراژ: ۲۰۰۰ جلد • چاپ اول: ۱۳۹۵
- لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۷۲۲
- شابک: ۶-۸۲۵-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۵-۶
- شابک دوره: ۳-۸۲۶-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۲۵-۶
- کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

وقتی من بچه بودم



سلام، سلام

من برونو هستم.

این کتاب یک قصه درباره‌ی من است. درباره‌ی چیزهایی که نمی‌دانستم و یاد گرفتم.

من نمی‌دانستم چی خوب است چی بد. برای همین خیلی توی دردم می‌افتادم. ولی...

مامانم خوب بود. بابام خوب بود. برادرم خوب بود. من هم می‌خواستم خوب باشم. می‌خواستم خوب بودن را یاد بگیرم و... یاد گرفتم. چه طوری؟
برایتان می‌گویم...

من هم می‌خواهم خوب باشم. خیلی خوب ولی بعضی وقت‌ها چیزهایی پیش می‌آید که خوب بودن خیلی سخت می‌شود مثل آن روز...

من یک توپ پیدا کردم دلم می‌خواست آن را برای خودم نگاه دارم ولی...

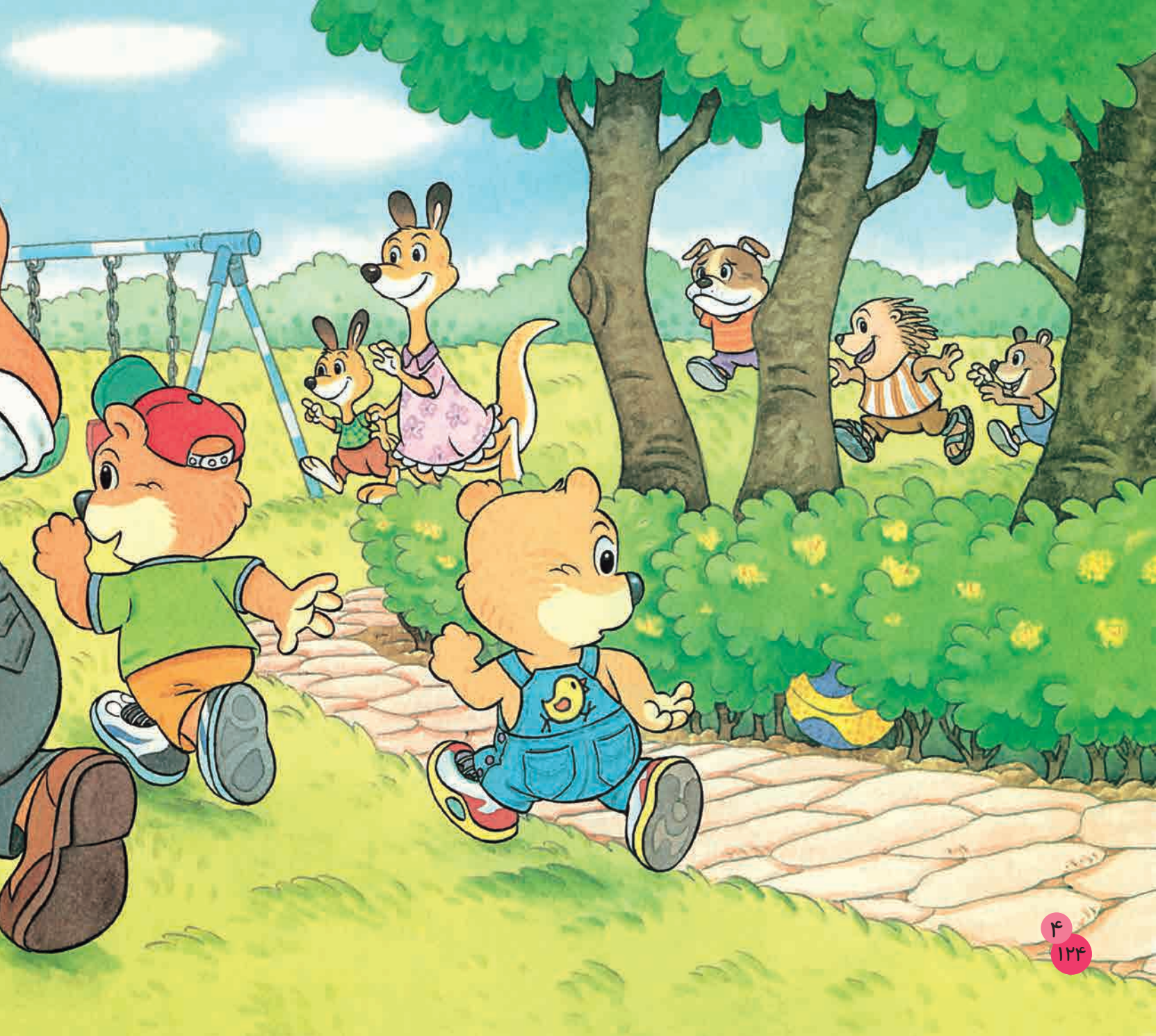
اگر آن را به صاحبش نمی‌دادم چی؟...

اگر نمی‌دادم دیگر خوب نبودم. به نظر شما خوب بودن بهتر است یا داشتن یک توپ خوب؟





هورا... بین بادبادک ما چه قشنگ
پرواز می‌کنه.





آخ، دیدی چی شد؟
بادبادک ما به اون درخت
گیر کرد.

ا... ا...
یه توپ این جاست!

